



دکتر عباس نعیمی چورشری
جامعه شناس

درباب چیستے رؤیای ایران

اگر بپذیریم جهان مدرن بر دوش عقلانیت جدید ایستاده است آنگاه گستره‌ای از مفاهیم مطرح می‌شود که با زیست بشر نوین درهم‌تنیدگی دارد. یکی از این مفاهیم، هویت است که خود لوازمی چند برای تعریف خواهد داشت. آنچه که در ظرف ملت‌وارگی ریخته می‌شود. درواقع ملیت به مثابه چارچوبی عمل می‌کند که پروبلماتیزه شدن هویت را نزد عقل مدرن رقم می‌زند. هویت وجودی دارد که در وجه مدنظر ما، یوتوپیی خویش را جست‌وجو می‌نماید. رؤیایی را می‌پرورد که گاه ریشه در گذشته خویش دارد و گاه سر در آسمان دیگری. رؤیای امریکایی مشهورترین برچسب جهانی در این حوزه است. اینگونه می‌توان درباره «رؤیای ایرانی» سخن گفت. مقوله‌ای جامعه شناختی که روشن‌فکری معاصر ایران - مستقیم و غیرمستقیم - درباب آن قلم رانده است.

اما رؤیای ایرانی چیست؟ آیا بر سر آن توافق نظری وجود دارد؟ ما نیفتست خاصی را متعلق خواهد بود؟ کدام عرصه مفهومی را در بر می‌گیرد؟ مواجهه عقل مدرن و روشنفکری جدید با آن چگونه بوده است؟ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست، ضرورت پرداختن به چیستی رؤیای ایرانی را گوشزد می‌کند. در این باره نکات زیر قابل تأمل است:

۱ رؤیای ایرانی الزاماً به کلان روایتی اشاره دارد که شهروند ایرانی را به صفاتی متصف می‌کند. این صفات - به تعبیر جامعه شناسانه - ابزارهای فریاد هستند که موقعیت او را در نسبت به سایر اجزا و کلیت ملی مشخص می‌نمایند. این صفات دارای درون مایه تنوریک هستند و قلمرو معنایی، رفتاری و حقوقی خاصی را نشان می‌دهد. از این حیث دست‌کم با سه وجه معناشناسانه، رفتارشناسه و حقوقی مواجه خواهیم بود که این ضلع سوم به پشتوانه نهاد سیاست، قوام دارد. رؤیای ایرانی الزاماً مسأله محور است؛ مسأله را تشخیص می‌دهد و علت مسأله را تعیین می‌نماید. راهکار حل مسأله را بیان کرده و موقعیت مطلوب را ترسیم می‌کند. مثلاً معناگرایی، رفتارشناسه و حقوقی ذیل همین فرآیند قابل فهم می‌شود که بر دستگاهی نظری استوار است. دستگاهی که می‌توان آن را رؤیایی ایرانی نامید.

۲ احتمالاً بایستی رؤیای یک ملت را در قرائت‌هایی جست که تلاش می‌کنند فراگیر شوند و بر بال این فراگیری از گسست‌ها فراقتر روند. شمولیت بیابند و هستی مردمان را در ساختمان مفهومی خویش سامان دهند؛ ساختمانی که با کلیدواژه‌های حق، تکلیف، طبقه، وفاق، تضاد، قشریت، حاکمیت، عدالت، آزادی و... بلندی یافته و نمایی را تصویر می‌نماید. بر این اساس می‌توان به قرائت‌های نظر کرد که در قرائتی تاریخی تلاش نموده‌اند «رؤیای ایرانی» بسازند. رؤیای ایرانی در قرائت اسلامی‌اش، خواستار معنابخشی دینی به شهروند ایرانی است. ایرانیت در سایه اسلامیت رنگ می‌گیرد. یوتوپیی این رؤیای ایرانی، هویت اسلامی مقتدر است که در شئون زیست روزمره ایرانی‌ها جاری باشد. این روایت خود به خرده روایت‌هایی منفک می‌شود که در نیروهای اجتماعی قابل ردیابی است. از فقیهان - که خود گرایش‌های فقهی متمایز دارند - تا عرفا و صوفیه که آنها نیز سلسله‌هایی متکثرند. هزاره اخیر ایرانی متأثر از همین رؤیای دینی بوده است. گسترش این رؤیا در طول و در عمق بدنه اجتماعی نیز چشمگیر بوده اما هرگز نتوانسته به وحدت «فهم» بینجامد. بدین واسطه نحله‌های فکری اسلامی با ترجمان‌های متنوع ظهور داشته‌اند. آنها هر کدام رؤیای ایرانی متفاوتی را تدوین کرده‌اند. این تدوین در عهد معاصر به رفتارشناسی جدیدی ذیل نواندیشی دینی تراوش نموده لذا فرماسیون اجتماعی نوئی در کنار فرماسیون‌های کهن، رقم زده است.

۲.۲ رؤیای ایرانی در قرائت مارکسیستی اش امری نوپدید است. نزدیکی جغرافیایی ایران با روسیه انقلابی به ورود اندیشه‌های مارکسیستی و عمدتاً لنینیستی انجامید. مسأله این رؤیا مسأله عدالت بوده و هست. بیان مسأله با تبیین طبقاتی گره خورده است. از این حیث یوتوپیی را جست‌وجو می‌کند که نهادها به مفهوم مارکسیستی «عادلانه» عمل کنند. شهروند ایرانی از چنگال از خود بیگانگی سرمایه دارانه رها باشد. به «استعمار» جهان غرب معترض باشد و

فعالانه علیه آن عمل کند. در اینجا باید توجه داشت که مترادف گرفتن قرائت چپ با مارکسیسم فاقد دقت کافی است. زیرا رؤیای ایرانی سوسیالیستی که تا سوسیال دموکراسی نیز پهن می‌شود، در تفاوت جدی با مارکسیسم قرار دارد. باین حال نقش آفرینی مارکسیسم لنینیسم در تاریخ معاصر ایران بر تحركات سوسیال دموکراسی غلبه داشته است. این امر به آن رؤیایی منجر شد که مبارزه چریکی لنینیستی بر مبارزه پارلمانی برنشتاینی چیره شد.

دکتر نعیمی، [۱۹، ۴۰، ۴۳: ۰۰]

۲.۳ رؤیای ایرانی در قرائت ملی گرایانه از نوعی منطق سکولار پیروی می‌کند. اما در معنایابی خویش به چند عرصه متفاوت می‌رسد. در این راستا حداقل دور رؤیای مشخص را می‌توان بر آن برشمرد: رؤیای ایران باستان، رؤیای ایران مدنی، ملی‌گرایی نخستین به تاریخ ایران باستان به مثابه نوستالوژی باشکوهی نظر دارد که بایستی یوتوپیی آتی بشود. از این جهت بانوعی «معنایابی بازگشت مآبانه» مواجه هستیم. این رؤیا در پی بازسازی ایران باستان در ابعاد سیاسی یا فرهنگی در عهد نوین است. اما در شق دوم ملی‌گرایی، مدنیت و شهروندی به مفهوم مدرن مطرح می‌باشد بی‌آنکه گذشته نفی شود یا مبدل به نوستالوژی یوتوپیک و چراغ راه گردد. در این دستگاه نظری با فرماسیون سکولاریسم جدید مواجه هستیم که از دریچه دموکراتیزاسیون به عرصه اجتماعی نظر دارد.

در یک جمع‌بندی می‌توان اذعان داشت که هر کدام این قرائت‌ها در پی این بوده تا رؤیایی را برای ایرانیان سامان دهد. چتری نظری بگشاید تا پازل چندتکه ایرانیت را در برگیرد. احتمالاً می‌توان این چتر را یوتوپیی جامعه شناختی دانست که قومیت‌های متکثر، مذاهب چندگانه، گسل‌های جنسیتی، تضاد دولت - ملت، پارگی‌های زبانی، حقوق اقلیت‌ها و... را شامل شود. باین حال دایره این شمولیت و نهادینه شدنش محل چالش و گسست بوده است.



عکس: علی محمدی / ایران